

۱۸ زندانی سیاسی زن در خطر

* این زندانیان را از همبندان خود جدا کرده اند

بر پایه اخبار دریافتی زندانیان جمهوری اسلامی اخیراً ۱۸ زندانی سیاسی زن را از دیگران جدا کردند. این عمل انسان را ب اختیار به یاد حادثی من اندازد که پیش از "ناجمه ملی" - کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان سال گذشته - اتفاق افتاد. باید توجه داشت که این انتقال پس از تعیین اسدالله لاجوردی، آدمکش معروف به ریاست سازمان زندان ها صورت گرفته است.

همنگفتہ من شود که ایراد فشارهای جسمی و روحی بر زنان برای وادار کردنشان به اعتراض به گناهان ناگویه پسیار شدید شده است. خطر جدی جان زندانیان سیاسی زن را تهدید می کند. عمل زندانیان و ارگان های تصمیم گیرنده بیان با ابتدائی ترین موازین و اصول حقوقی مورد پذیرش پسریت مترقب است. ما این اقدام هد انسانی را قویاً حکوم من کنیم و از همه نیروهای دمکراتیک می خواهیم تا فریاد اعتراض خود را علیه توطئه جدید ارگان های سرکوبگر هر چه رساتر کنند و افکار عمومی مردم چنان را در جریان آنچه که در زندان های ایران می گذرد بگذارند.

برای نجات جان زندانیان سیاسی زن و کم کردن باز فشارهای جسمی و روحی بر آنان هم صدا و متحد شویم و تا آنجا که توان داریم بکوشیم.

در صفحات بعد

یادواره رفیق شهید
خلیل ابرقوئی

من ۴

تغییرات مهم
در مجارستان

من ۸

ابتكار جدید
حزب کمونیست
متحد ترکیه

من ۸

خانه بسازید، نه ببای
تظاهرات ۲۵۰۰۰
بی سرپناه در آمریکا

من ۷

روابط پنهانی کودتاگران سودان با جمهوری اسلامی و آمریکا

* گزارشی از حزب کمونیست سودان

اخیراً حزب کمونیست سودان اطلاعاتی در اختیار احزاب برادر گذاشته است که گرایشها و پاسخگیریانه رهبران نظامی کودتاگران سودان در عرصه سیاست داخلی و خارجی را به تماش می گذارد. در ذیل با چونکی برقراری رابطه میان کودتاگران با رژیم جمهوری اسلامی و ایالات متعدد از زبان حزب کمونیست سودان آشنا می شوید:

۱- رابطه با ایران

شورای فرماندهی انقلابی، مهدی ابراهیم، عضو رهبری "جهه ملی اسلامی" را بعنوان مامور مخفی شخصی ژنرال عمر حسن البشیر به ایران فرستاد. مهدی ابراهیم بیدارهایی با رفسنجانی، رئیس جمهور ایران و وزرای کشور، بازرگانی و ثفت داشت. او برای مقامات ایران، بگونه ای گذرا پیغامون اهداف انقلاب وستکاری بخش، سمعتگیری اسلامی آن و خطراتی که از تاخته "نشمنان اسلام" - قدرت های کمونیستی و غربی و نیز "مجاهدان مسیحی" در جنوب - برای این "انقلاب" وجود دارد، توضیح داد. سپس مهدی ابراهیم، از طرف ژنرال عمر از آنان تقاضای یاری برای ایجاد ساختار حکومتی همانند مدل اسلامی ایران و نیز کمک های نظامی و مالی می کند.

ادامه در من ۲

فسرده گفتاری از رادیوی مسکو

اوهام و حقایق در مورد حزب توده ایران

* "نمیتوان کردن فعالیت حزب توده ایران نشانه ضعف این حزب نیست. کاملاً بر عکس، معمولاً چیزی را نمیتوان می سازند که از آن تومن و وحشت پسیار دارند."

درست ۳۶ سال پیش (پس از کودتای ۲۸ مرداد) حزب توده ایران مورد هجوم گسترده قرار گرفت. همانا از آن زمانی بود که دوران فاجعه بار تبلیغات علیه فعالان توده ای آغاز شد. تبلیغاتی که تا به امروز هم ادامه دارد.

ادامه در من ۲

نامه مردم

از کانگره ای از ایران

شماره ۲۸۱، دوره هشتم،
سال ششم، ۲۵ مهر ۱۳۶۸
۲. ریال

مجلس قابل اعتمادتر؟

روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه، خامنه ای ملی نامه ای به هاشمی رفسنجانی، اعضاء جدید "جمع تشخیص مصلحت نظام" را منصوب کرد. در نگاه اول به لیست ۱۹ نفره اعضاء این مجمع، به نظر من رسید که خامنه ای کوشیده است تا با وارد کردن چهره های سرشناس چنان مقابل - چون میرحسین موسوی و محمد رضا توسلی - مجتمع متحاب از نمایندگان هردوچنای تشکیل دهد. اما واقعیت جز این است، با اندکی تعمیق می توان دریافت که در این مرکز قدرت نیز گروه هاشمی رفسنجانی - خامنه ای اهل اصلی قدرت را در دست دارد. زیرا به غیر از آن فقهای شورای نگهبان، که عکس در مجمع حضور دارد و وجود کسانی چون مهدوی کنی، مسافعی و موحدی کرمانی که به گروه آنان وابسته اند، به تنها ایشان کافی است تا اکثریتی مطعن را برای گروه مذکور تضمین کند. در چهارچوب این مجمع برای افرادی چون موسوی دو راه بیشتر وجود ندارد: یا هرمنگ جماعت شدن و یا نقش یک اتفاقی غیر موثر را بایزی کردن. اما در هر حال تلاش برای انحصار قدرت از سوی چنان هاشمی - خامنه ای تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه بین اعتمادی دم افزون رهبران جدید به مجلس و نمایندگان آن است. لیکن پیش از بحث در این باره لازم است تا نگاهی گذرا به تاریخچه تشکیل "جمع تشخیص مصلحت" بیاندازیم.

هنگامی که خمینی در زمان حیات خویش فرمان تشکیل "جمع تشخیص مصلحت" را داد، اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان به اوج خود رسیده بود. طبق فرمان وی "ظاهرا قرار بود مجمع تشخیص مصلحت به ارگان قانون گذاری دوم در کشور مبدله شد. کار به جایی رسید که حق لایحه، پیش از آنکه در مجلس طرح شود، مستقیماً از مجمع سودرآورده و گاه حق پس از تصویب چهت اجرا به دولت ابلاغ شدند".

این امر نارضایی و اعتراض نمایندگان مجلس را برانگیخت. "جمعی از نمایندگان آدامه در من ۲

مارا هر را فتح خارشید آن توده ای را آدامه خواهیم داد!

مجلس قابل اعتمادتر؟

افزود. در این متن ارگان‌ها و نهادهایی که تا دیروز من توائیستند طرف اعتماد قرار گیرند، بر مراکزی "مسئله ساز" مبدل می‌شوند. هم ترین این ارگان‌ها مجلس است. هر چند کروه هاشمی رفستجانی- خامنه‌ای توائیستند با زمینه سازی، تبلیغات گستوده و ایراد فشار برای دولت جدید رای اعتماد بگیرند، اما جریان مذاکرات و رای گیری و سخنرانی‌های انشکارانه برخی از نمایندگان پیش و پس از آن نشان داد که با توجه به جناح بدینهای موجود در آن در اینده نمی‌تواند مرکز قابل اعتمادی برای رهبران جدید جمهوری اسلامی باشد. تشکیل مجمع تشخیص مصلحت، از افرادی که معدتاً مورد اعتماد و از تزدیکان حاکمان جدید رژیم "ولایت فقیه" اند، این تضمین را بوجود می‌آورد که در صورت نیاز، می‌توان با حکم رهبر- چون اوایل تشکیل این مجمع وظیفه قانون‌گذاری را به آن منتقل کرد و بدین وسیله مجلس را تحت فشار قرار داد. در واقع پس از "شورای نگهبان" این دوین شمشیر داموکلیس است که بر فراز سر مجلس اویخته می‌شود. مضمون هشدار نیز روشن است: مجلس یا باید عملکردی مطابق خواستهای رهبران جدید داشت باشد و یا آنان "مجبور" خواهند شد طبق مصالح اسلام و نظام عمل کنند.

زمینی در آخرین روزهای حیاتش، اختیارات مجلس خودساخته خبرگان را در زمینه بازنگری قانون اساسی، به جمع محدودتر و قابل کنترل تری بنام شورای بازنگری سپرد. رهبران جدید نیز عمل مجلس رومی بوجود اورده اند تا به هنکام ضرورت - چون خمینی- آن را جانشین مجلس شود. کنند. هدف چه در گذشته و چه حال یکی است: تمرکز قدرت در بالاترین سطح حاکمیت. این همان روند ناگریزی است که همه رژیم‌های خودکامه تا انفراد کامل پیموده اند.

مجلس‌ی نامه‌ای به خمینی، از او خواستند تا "ابهامات" را که پیرامون کار "شورای تشخیص مصلحت" وجود دارد، برطرف سازد. آنان توشتند که قانون گذاری از سوی مجمع نه تنها من تواند تنقضیهای فراوان در قوانین کشور را ایجاد کند، بلکه اساساً مجلس را نیز "بی خاصیت" می‌کند. "امام امت" در پاسخ به نامه نمایندگان همن عقب نشینی، مطالب مطروحه از سوی نمایندگان را تائید کرد و وعده داد که "انتشالله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی در اید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم". در جریان بازنگری قانون اساسی، شورای تشخیص مصلحت ظاهراً به صورت یک ارگان "قانونی" در آمد و در واقع قوه مقننه سه مرکزی در کشور تثبیت شد. همانگونه که "نامه مردم" به موقع خود خاطرنشان کرد، این امر نه تنها هزینه سوسام اوری را بر بودجه کشور تعمیل می‌کند، بلکه در عنی حال دلیل است بر ادامه کفتش برای بهتر کردن سرنوشت محرومین چه باید کرد؟ این سؤال همیشه ذهن را به خود مشغول می‌ساخت. اما در آن ایام پاسخی برای این پرسش نمی‌یافتم. چرا تفاوت زندگی بهه هاشی که در خانواده های قییر و شومند بدینها می‌ایند تا به این اندازه فاحش است؟ قطب‌های ثروت و فقر از کجا ناشی شده است؟ چرا مردم ما با داشتن چنین ثروت‌های طبیعی عظیم در فقر بسر می‌برند؟ چرا افراد پسی، بیکار و فاقد نان و دارو بوده و محکوم به فنا هستند؟ من توفیق اشتایی با جهان بینی علمی هزب توده ایران را پیدا کردم. برنامه این هزب و اندیشه های اجتماعی آن به پرسش هاشی که مدت‌های طولانی مرا عذاب می‌داد پاسخ داد.

در پاسخ باید به این واقعیت اشاره کرد که پایگاه اجتماعی رژیم روز به روز محدودتر می‌شود. بحران گستردگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر دم بر نارضایی توده ها می‌افزاید. دامنه نارضایی امروزه نه تنها در میان اقتشار و طبقات گوتاگون مردم، بلکه در درون و پیرامون حاکمیت نیز گسترش می‌یابد. این هم طبیعی است. زیرا بحران اجتماعی در هر حال به شکل از اشکال در حاکمیت سیاسی انعکاس می‌یابد. به این امر باید اختلافات و تلاش پرداخته جناح خامنه‌ای - رفسنجانی برای تبعضه انحصاری حاکمیت را نیز

اوہام و حقایق در مورد حزب توده ایران

را متوقف سازد. اعضای این حزب به مبارزه ادامه دادند. هسته‌های هزب در موسسات تولیدی مبارزه تبلیغاتی خود را دنبال و شبستانه هاشی پیش می‌کردند، که در آن ها ماهیت رژیم برای مردم افشا می‌گردید. چون حزب توده ایران برای ایجاد یک ایران نوین، دارای برنامه روشن و دقیق بود، تعداد هواداران حزب دانما افزایش پیدا می‌کرد. اندیشه های اجتماعی هزب توده ایران ترجمه بسیاری از ایرانیان می‌بیند. در اوایل تابستان و اوایل پائیز سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، بکیر و بیند در تهران و دیگر شهرهای کشور چریان داشت. پس از سرنگون کردن دولت مصدق، رژیم پهلوی هجوم به نیروهای چپ کشور را آغاز کرد. هدف اصلی حزب توده ایران بود. سازمان های هزب در هم کوییده شد، روزنامه های رهبران و فعالان حزب به زندان افتادند. کارزار ترور پر خد حزب توده ایران یک چنگ تمام عبار بود. در مطبوعات تبلیغات شدید علیه هزب صورت می‌گرفت و هزب را به خیانت به منافع ملی ایران متهم می‌ساختند. اما تنها "گناه" طولانی علیه استبداد شاه مبارزه کرد. این بود که سال های توده ایران این بود که سال های طولانی استبداد شاه مبارزه کرد و خواستار آزادی های دمکراتیک و استقلال حقوقی کشور بود. "گناه" هزب این بود که قاطعانه از منافع زحمتکشان دفاع و از انجام اصلاحات بنیادی در زمینه های اجتماعی و اقتصادی ملزدی داشت. "گناه" هزب این بود که اندیشه استعمار انگلیس و امپریالیسم آمریکا و بخاطر سعادت می‌کشید. پیکرمانه مبارزه می‌کرد. در ایران شاهنشاهی باورنگردانی ترین اتهامات علیه هزب مطرح می‌گردید. اما سعی می‌شد دلالیل حقیقی تبلیغات علیه هزب توده ایران پنهان نگاه داشته شود. مسئله این بود که هزب توده ایران نخستین اتحادیه کارگری سراسری را ایجاد و اولین اعتساب نلتگران را رهبری کرده بود. این هزب توده ایران بود که خواستار اصلاحات ارضی بنیادی شد و اتحادیه های دهقانان را که دهها هزار نفر در آنها متحد شده بودند سازماندهی کرد. با تلاش اعضای هزب بود که بزرگترین سازمان های زنان و جوانان در تاریخ ایران بنیادگاری شد. به اینکار هزب توده ایران نهضت های از تهران با گارد شاهنشاهی از زمینه شد. فعالان توده ای در کارخانه ها و کارگاه ها بطور سازمان یافته مبارزه می‌کردند. اعضای هزب بخاطر سعادت و آزادی مردم ایران پیکار می‌کردند و در این تبردها از دادن جان خود نیز دریغ نوروزیدند.

شدن هزب توده ایران که سال پس از علیه کثیری از مردم ایران به آن رای دادند. اما درست پس از ۲۰ سال تاریخ دگربار تکرار شد.

در سال ۱۹۸۳ هزب غیر قانونی اعلام گردید. اما متعوّن کردن فعالیت هزب توده ایران نشانه ضعف این هزب نیست. کاملاً برعکس، معمولاً هیزی را منزع می‌سازند که از آن ترس و وحشت بسیار دارند.

زحمتکشان ایران را به خود چلب کرد. يك سال پس از علیه شدن هزب توده ایران عده کثیری از مردم ایران به آن رای دادند. اما درست پس از ۲۰ سال تاریخ دگربار تکرار شد.

در اوایل تابستان و اوایل پائیز سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، بکیر و بیند در تهران و دیگر شهرهای کشور چریان داشت. پس از سرنگون کردن دولت مصدق، رژیم پهلوی هجوم به نیروهای چپ کشور را آغاز کرد. هدف اصلی حزب توده ایران بود. سازمان های هزب در هم کوییده شد، روزنامه های رهبران و فعالان حزب به زندان افتادند. کارزار ترور پر خد حزب توده ایران یک چنگ تمام عبار بود. در مطبوعات تبلیغات شدید علیه هزب صورت می‌گرفت و هزب را به خیانت به منافع ملی ایران متهم می‌ساختند. اما تنها "گناه" طولانی علیه استبداد شاه مبارزه کرد. این بود که سال های طولانی استبداد شاه مبارزه کرد و خواستار آزادی های دمکراتیک و استقلال حقوقی کشور بود. "گناه" هزب این بود که قاطعانه از منافع زحمتکشان دفاع و از انجام اصلاحات بنیادی در زمینه های اجتماعی و اقتصادی ملزدی داشت. "گناه" هزب این بود که اندیشه استعمار انگلیس و امپریالیسم آمریکا و بخاطر سعادت می‌کشید. پیکرمانه مبارزه می‌کرد. در ایران شاهنشاهی باورنگردانی ترین اتهامات علیه هزب مطرح می‌گردید. اما سعی می‌شد دلالیل حقیقی تبلیغات علیه هزب توده ایران پنهان نگاه داشته شود. مسئله این بود که هزب توده ایران نخستین اتحادیه کارگری سراسری را ایجاد و اولین اعتساب نلتگران را رهبری کرده بود. این هزب توده ایران بود که خواستار اصلاحات ارضی بنیادی شد و اتحادیه های دهقانان را که دهها هزار نفر در آنها متحد شده بودند سازماندهی کرد. با تلاش اعضای هزب بود که بزرگترین سازمان های زنان و جوانان در تاریخ ایران بنیادگاری شد. به اینکار هزب توده ایران نهضت های از زمینه شد. فعالان توده ای در کارخانه ها و کارگاه ها بطور سازمان یافته مبارزه می‌کردند. اعضای هزب بخاطر سعادت و آزادی مردم ایران پیکار می‌کردند و در این تبردها از دادن جان خود نیز دریغ نوروزیدند.

اما هزب توده ایران با وجود همه تضییقات پا بر جای ماند. فرمان منوعیت هزب توده ایران که از سوی حکومت شاه به تصویب رسید نمی‌ترانست فعالیت انقلابی هزب

در رابطه با سخنان امامی کاشانی تذکر نکته ای ضروریست: از قرار معلوم، شناس و استخاره، به درین بعضی از افراد جامعه، بلکه در درجه اول در حلقه دولتمردان جمهوری اسلامی مطرح است. زیرا چنانکه یکی از نمایندگان مجلس قاش ساخت بخاطر همان تفہم مورد اشاره امام جمعه تهران، استخاره در جمهوری اسلامی به یکی از ایزارهای نوپذیر سیاست تبدیل شده است. یکتفه این نماینده در بخش هایی از وزارت خارجه شاهد فعالیت کسانی هستیم که در هنگام تصمیم گیری در حساس ترین مسائل خاورمیانه متولی به استخاره می شوند. بطوریکه یکی از مستولین وزارت خارجه در یکی از کشورها ۱۲ بار استخاره کرده است. (کیهان ۱۷/۷/۱۷).

حتماً خمینی هم با استخاره شش سال بدون دلیل چنگ را ادامه داد.

جنبیش آزادیبخش خلق سودان و حزب اتحاد دمکراتیک باطل و بی اعتبار است و نمی تواند دوباره احیاء گردد.

۲- قوانین اسلامی چنانکه در قانون مصوبه سپتامبر ۱۹۸۲ تصویب گردیده باید تقویت شوند. این قوانین تغییر نخواهد کرد.

۴- عملیات "روش زندگی" برای بازگرداندن آرامش به جنوب سودان، ادامه خواهد یافت.

۵- از حقوق بشر دفاع می کنیم، ولی بازداشتی اخیر به دلایل امنیتی ضرور بوده است.

۶- چریک های اسلامی در سودان هیچ شباهتی با حزب الله ایران ندارد. آنها برای دفاع از انقلاب، اعمال قانون و نظم و مبارزه با جنایت و قاچاق موافقد هستند.

۷- هیچ دوره گذار ویژه ای وجود ندارد. نظامیان ممکن است برای حدود هفت سال بر سر قدرت باقی بمانند.

۸- بازگشتی به نظام پلورالیسم سیاسی وجود نخواهد داشت.

۹- بو صورتی که گنگره آمریکا تضمیم شماره ۱۲ خود را لغو کند و از رژیم تازه حمایت بعمل آورد. سودان مایل است تسهیلاتی در تربیکیات در دریای سرخ، شرق سودان، و یک پایگاه هوایی در الشتر، غرب سودان، به تبریز دریایی ایالات متحده واکذار کند.

کوئن نیز در پاسخ به کوئتاگران اطمینان می دهد که اگر رژیم سودان در چارچوب منافع ایالات متحده عمل کند، می تواند آن کشور را به پشتیبانی از خود برانگزید.

اندر خواص استخاره

ایت الله امامی کاشانی در بخش از سخنان خود در خطبه اول نماز چممه پیغمبر امون دوستله شناس و استخاره که به زعم ایشان نربین بعضی از افراد جامعه مطرح است از جمله گفت:

شناس اساساً مبنای غلط و ناصحیح دارد، ... و منطق افرادی که در مقابل مشکلات می گویند شناس نداشتم، منطق غلط است.

امامی کاشانی درباره "استخاره" نیز گفت:

استخاره پس از مشورت لازم و همه چانیه پسندیده است و مسلمان در مشورت اخطار و تهمیدن مستله ای می تواند استخاره کند (کیهان ۱۸/۷/۱۸).

رابطه کوتاگران سودان ...

طرف ایران موافقت کرده است که انواع چنگ اذار، نفت و شش تن از اعضای بلندپایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بمنظور سازماندهی دوره های اموری شیوه هستیم. اینها همچنین بر سر آموزش پاسداران انقلابی سودان در ایران توافق کردهند.

ژنرال عمر، از ۲۴ تا ۲۶ اوت سال چاری مخفیانه به ایران سفر کرد. این سفر با توجه به حساسیت دولتهای خلیج و بحره بردازی تبلیغاتی ای که مرآق می توانست از آن علیه ایران بعمل آورد، کاملاً مخفی تکهداشت شد. در این سفر، ابراهیم شمس الدین، عضو شورای فرماندهی انقلابی و ذیر امور دیاست چهاری، ابراهیم محمد خیر، یک فیزیکدان، علی عثمان محمد طه و مهدی ابراهیم، دو تن از اعضای رهبری "جبهه ملی اسلامی" ژنرال عمر را همراهی می کردند.

۲- رابطه با ایالات متحده آمریکا

در پی کوئتا، کوئن، از مستولان دولتی امریکا، دیداری از سودان بعمل می آورد. رهبران کوئتا نظامی برای کوئن، روش سیاستشان را به قرار زیر تشریح می کنند:

۱- کوئتای نظامی که حکمت غیرنظامی را در ۰۰. ژوئیه ۱۹۸۱ سرنگون کرد، برای جلوگیری از تهدید حکومیتی صورت کرفته است.

۲- رهبران کوئتا هرادر مبلغ مستند، ولی موافقتنامه، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ بین

پر گرانه رودباری آهنا

خواره، شب بود، و موسی های مونی شکنجه و سیاهی نور و پکدست روز های هزارساله در فراموشخانه اصلی سرمایه (۱)

اوای خشمی گداخته و توفنده از هنجره های زخمی عشق فواره می نزد و مرگ بی پیرایه پنجه بر گلاری بخت نویروسان در انداخته بود.

ما خبره های تیره و واژگون را از موسیقی ستاره های خویش انباشتیم و با چشم های درشت و گشوده در خشش و پرواز را

در مهرگان تولد خویش برافراشتیم بر استوانه زخم ها و بر توانان دردها با زبان داشت خویش مردم نهادیم و آونگ پر تلاطم دلهمان را در شکوفایی ابدی گلهای سرخ آرامش دادیم

و فزانگان دل خسته، اما بلند آوا در قاب خون خویش آرمیدند ***

تذرو قلب من بر سروی کهن پرکشید و در همارا بیز لالی چشمها چشمها خوشا رویش ارغوانی جانها که بر سفره فلنی تازیانه ها نفرسود و لونگ سپیده را

پر کرانه، روباری آشنا در اذکند خوش ازنان و مردانی از عطر گندم و باران که در هجوم ملخ های تاراج تن نیاسودند و کشتر از های سرخ آرامش دادند.

شعله در زهدان باد و خاک

و بی قراری موزون پرندگان معجزه اینسان از خاکستر خویش سر بر کشیدند.

فهره ۶۸ شهریور

۱- بازداشتگاه معروف به "هتل اموات" در اصفهان پیش از این اصلی کاشنی، سرمایه دار معروف اصفهانی بوده است.

رفستنچانی به محتمل:

- باور کنید به میل من نبود.
و گرنه شما برای ما خیلی عزیز هستید.
محتمل: چپ چپ نگاهش می کند.

رفستنچانی ادامه می دهد: امام امت هفت پیش به خواب من آمد،
فرمود: محتمل را بگویند برود کمی استراحت کند.

- هفت پیش کی؟

- سه شنبه شبها

- سه شنبه شب من خودم خواب امام را من دیدم چندی چیزی نگلت.



* آقای رئیس جمهور، تلفن!

- کیه؟

- رفیر...

- بکو ... نمیشه، سر نمازها

...

- آقای رفستنچانی، تلفن!

- کیه؟

- ایت الله گلهایگانی

- بکو رفته حمام

...

- آقای رفستنچانی، تلفن!

- کیه؟

- بوشها

- بدرو...! ولاستی را صدا کن بیاد...

عرانی (به فارسی نست و پا شکسته):

- والله، روز عزای امام، اگر یادتان باشد همه مارا با اتویوس برداشت بهشت زهرا که گریه کنیم. من زیر نست و پا ماندم. یک هفت است دنبال اسارتگاه من گردم پیدا نمی کنم.

یادواره رفیق شهید خلیل ابرقوئی

دیوار قدیمی خانه اگر زبان می گشود ...



... زندگی در تلاش معنامی
پاید. تلاش برای سعادت و
خوشبختی همگان، تلاش برای
تحول ...

افتخار آفرین حزب توده ایران آشنا شود. پیشتر خسرو روزبه را شناخته بود و اینکه با تکرار و مشی سیاسی حزب او آشنا می شد. خلیل با تمام وجود به این راه ایمان آورد و سرانجام به حزب توده هاب پیوست. از ویژگی های بارز خلیل این بود که دوست داشت آنچه را که خود شناخته، به دیگران نیز بشناساند. او شناخت را تنها برای شناخت نمی خواست، بلکه می شناخت تا بشناساند، بهتر حرکت کند و بیشتر مشعر ثمر باشد. در این راه خصوصیات بر جسته انسانی اش چون فروتنی، وفا و پیغموری اش در سال ۱۳۵۵ موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. یک سال بعد، در رشته طبیعی هم دیپلم گرفت و پس از امتحان ورودی به عنوان بورسیه ارتش در رشته دندانپزشکی دانشگاه ملی پذیرفته شد. در دانشگاه هم به خوبی درس می خواند اما تحصیل دیگر تنها مشغله فکری او نبود. با اینکه ارتش بود در کلی حرکات اعتراضی و اعتصابی دانشجویان شرکت می کرد. از همین دوران به مطالعه پرداخت و با دیدگاه ها و جریان های سیاسی گوناگون آشنا شد. مطالعه کتاب اطاعت کورکرانه تاثیری ژرف بر خلیل گذاشت. خسرو روزبه به قهرمان ذهنی او مبدل شده بود. هر بار که اطاعت کورکرانه را می خواند، پیشتر شیوه شخصیت روزبه می شد. از آن پس فراموش نمی کرد تا از هر فرستی برای معرفی این کتاب به دوستان و هم بوره های نظامی اش استفاده کند. با این همه هنوز حزب توده ایران را نشناخته بود.

خلیل ابرقوئی در خانه مالامال از خاطره هاست. درخت کهن‌سال، آن هنگام که سایه مهربان خویش را بر سرگلش فرسوده می گسترد، با نجراپی اهسته از او می پرسد. دیوار قدیمی اگر زبان پکشاید از ۷۰ سخن خواهد گفت. راه تف کرده شهر کوچک به دورست ها سرک می کشد تا نشانی از آن چشم های روشن که سال ها پیش وداعش کردن، بازیابد... هر بهار سبزه ها و گل های صحرائی برکناره راه پیچ و تاب می خورند، در آن سو درخت ها شکوفه می کنند و پرنده ها از سفر باز می گردند... اما خلیل در میان آن ها نیست. مگر این پرنده کوچک به دیوارهای ناشناخته نرفت تا با دامنی پرگل - به دراخی همه دشتها - باز گردید - آخر او بهار را دوست داشت...

* رفیق شهید خلیل ابرقوئی به سال ۱۳۴۷ در خانواده کارگری در مرودشت (استان فارس) به دنیا آمد. پدرش کارگر کارخانه قند بود. از این روز، رنج را پیش از هر چا در چاردیوارخانه و پرشیارهای پیشانی پدر باشناخت. او چون همه زحمتکشان رفع کشیده از روز داشت پرسش تحصیل کند. خلیل نیز با قدرشناصی از توجه داشتی پدر با جدیت به تحصیل پرداخت. دیری نگذشت که ناجا شد برابی ادامه تحصیلات دبیرستانی راهی شیراز شود. در شیراز از کمترین امکانات زیستی محروم بود و تنها موفق شده بود با هزار زحمت اطاق محقری برای خواب نست و پا کند. شب ها درسش را در شبستان مساجد و زیر چراغ های کم نور خیابان ها می خواند. با همه این ها، در سایه پشتکار و پیکری همیشگی اش در سال ۱۳۵۵ موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. یک سال بعد، در رشته طبیعی هم دیپلم گرفت و پس از امتحان ورودی به عنوان بورسیه ارتش در رشته دندانپزشکی دانشگاه ملی پذیرفته شد. در دانشگاه هم به خوبی درس می خواند اما تحصیل دیگر تنها مشغله فکری او نبود. با اینکه ارتش بود در کلی حرکات اعتراضی و اعتصابی دانشجویان شرکت می کرد. از همین دوران به مطالعه پرداخت و با دیدگاه ها و جریان های سیاسی گوناگون آشنا شد. مطالعه کتاب اطاعت کورکرانه تاثیری ژرف بر خلیل گذاشت. خسرو روزبه به قهرمان ذهنی او مبدل شده بود. هر بار که اطاعت کورکرانه را می خواند، پیشتر شیوه شخصیت روزبه می شد. از آن پس فراموش نمی کرد تا از هر فرستی برای معرفی این کتاب به دوستان و هم بوره های نظامی اش استفاده کند. با این همه هنوز حزب توده ایران را نشناخته بود.

رفیق خلیل ابرقوئی، چون هزاران چون میهن پرست دیگر، تنها پس از پیروزی انقلاب بهمن توانت با مطالعه نشریات حزبی با تاریخ مبارزات خونبار و

شب سیزدهم اردیبهشت ماه، هنگامی که دژخیمان به خانه اش یورش برداشت، چرم از نظر رژیم "ولایت فقیه" خلیل مجرم بود چون حقوق تاچیزی که بابت ساخت ها کار سفت دریافت می کرد، حتی کلاف مزینه رفت و آمد و غذای نیم روزش را نمی داد و با این همه یختش از همین درآمد تاچیز را به حزب کم می کرد. از این میعنی خطرناک برای رژیم محسوب می شد که من بایست به هر طریق از سر راه برداشته شو.

به این ترتیب، رفیق خلیل را در بهترین سال های زندگی، دو ماه پیش از آنکه دکترای خود را دریافت کند، در فراموشخانه های وحشیانه از همان شب بازداشت آغاز شد. در سودای آن بودند که بزانویش درآورند. از این می خواستند تا عشق به خلق و میهن را به یک سو نهاد، با چهل و خرافات از در آشنا در آید، تراویثات مغزهای علیل رهبران مرتع جمهوری اسلامی را بمعاینه واقعیات ازلی و ابدی پیشیده تا به موجودی قابل قبول و مطلوب برای نظام "ولایت فقیه" مبدل شود. اما دژخیمان با همه فشارهای وحشیانه چشمی و روانی توانستند بر گوهر انسانی اش غالب آیند. او چه در دوران بازجویی و چه در دوران پس از دادگاه فرمایشی هماره از چهره های شاخص مقامات در زندان بود. به دیگران روحیه می داد و لبخند همیشگی او لحظه ای از گوشه لبانش محون شد.

در بیدانگاه، پس از یک محکمه فرمایشی کوتاه مدت، رفیق خلیل ابرقوئی را به تحمل ۱۲ سال حبس محکوم ساختند. در برگ های پرونده ای که برایش سرمه کرده بودند، ملود غم شکنجه ها و تلاش های حیرانی کلمه ای وجود نداشت تا بتوان به استثناد آن (حتی بر اساس قوانین خودساخته رژیم) انسانی را نه ۱۲ سال، بلکه حتی یک روز، از آزادی محروم ساخت. ولی حاکمان شرع را کاری با منطق و قانون نبود. من باشیست توده ای ها را کشت و زندانی کرد تا درس عبرتی به همه نظامیان میهن پرست داده شود.

دوران طولانی زندان تا ناجمه ملی به درازا کشید. در این سال ها نبردی دائمی میان زندانیان مقاوم و زندانیان ادامه داشت. گاه زندانیان در سایه مبارزه موفق می شدند برخی از خواست های خود را به زندانیان تعییل کنند و گاه فشار از تو شدت من یافت: سلول انفرادی، چیره شلاق و ... رفیق خلیل هیچگاه روحیه پرشور خود را از سست نداد.

اندک زمانی پیش از آنکه چانیان و آدمکشان خمینی داس مرگ بر زندگی کوتاه اما پریارش نهند، رفیق خلیل در نامه ای نوشته: "... زندگی در تلاش معنای یابد. تلاش برای سعادت و خوشبختی همگان، تلاش برای تحول. بهار از آن جهت زیباست که آغازگر تلاش و تحولی نو در عرصه طبیعت و زندگی است..."

شاید رفیق خلیل ناخواسته در قالب این کلمات تصویری از زندگی خویش را از این داده است. یک زندگی کوتاه، پر تلاش و پر مضمون. زندگی در راه توده ها و برای سعادت خلق ها. راه و یادش چار دانه باد.

و سنت خالی بازگشته اند؟ آیا در صفت تهیه بلیط قطار فشار شب اول قبر را به پاد آورده اند؟ این مشکل عده مردم را چه کسی باید حل کند؟

آن کس که کسی را می شناسد و راه به جانش دارد مشکلش به طریق حل می شود. یا با نامه ای از ارگانی و یا است به دامانی. تنها بیچاره مستضعف بی پناه من ماند که راه به جانش تغواهید بود و فقط شعار حمایت از خود را شنیده و باور کرده است (!) و سرانجام باید بلیط سفر خود را در بازار آزاد فلان ترمیثی به هند برابر قیمت بخرد و معنی حمایت از محروم را بفهمد.

(اطلاعات) ۲۷ شهریور ۱۳۶۸.
بگذارید پای سخن عباس عباسی، نماینده بیکر بندربعباس، قشم و ابوموسی در جلسه علنی یکشنبه ۲۶ شهریور ۶۸ مجلس شورای اسلامی می گوید: منطقه وسیع محرومیت ها، همانگونه که بارها گفتم، فقط در نامه ها و گفتارها و سمعنارهاست. متنظر این نماینده انتکار محرومیت ها در منطقه مورد نظر نیست، بلکه اشاره به وعده های بی پشتواره ای است که مسئولان طراز اول چهارمراه اسلامی در سمعنارها و گفتارهای فراموش برای از میان بدن محرومیت ها می دهند، اما با پایان یافتن سمعنارها و نامه ها و گفتارها این وعده ها فراموش می شود.

ذائقی می گوید: مردم محروم

بندربعباس سالیان دواز را در دوران ستم شاهی در محرومیت بسر برده اند و همه نان در دوران روشن و سپید حاکمیت حق و انقلاب (!) رفع دوره سیاه گذشته را زیر تابش خورشید تابناک اسلام بر چهره زندگی و حیات خویش دارند و بدتر آنکه کسانی که به ادعای خدمت و نجات آمده اند گاهی خود دردآفرین و رنج افزایندند. این نماینده تاکید می کند: در بندربعباس برای اساسی

ترین مشکل مردم این شهر کاری هم ندارد

پیشایند. این بیماران، صرف نظر از آنکه در زاد و بوم خود از امکانات کافی پزشکی و

داروشنی و درمانی و بیمارستان های مجده

برخودار نیستند، از نظر رفت و آمد به

تهران نچار بلا خواهند شد و از زندگی

سیر.

این نماینده می افزا: هم اکنون عده

ای از شهر بندربعباس در تهران بسر می

برند که برای مراجعه به پزشک آمده اند

و مدتهاست برای بازگشت در دنیا بلیط

به هر دری می زندند و درها بسته است.

اینان چه کنند و به چه کسی پناه بیاورند؟

ایا مستولین محترم در صفت تهیه بلیط

اتوبوس مانده اند؟ آیا برای تهیه دو عدد

بلیط شب در صفت خواهید اند؟ آیا برای

تهیه بلیط هواپیما روزهای پی در پی مراجمه

است. روزنامه رسالت در شماره ۲۰ شهریور ۶۸ خود پس از نکر این مطلب از قول یکی

از ریش سفیدان محل افزود: "ما نمی دانیم که آیا حضرت آیت الله خامنه ای اطلاع

دارند که ما تمام طول تابستان را در هوای

گرم و یا ۷، ۸، ۹ بچه کوچک و بزرگ در

چادرهای بسیار کوچک سر کرده ایم؟" چه

توقع بی جانش! خامنه ای و رفسنجانی که

خود در خانه های تهیه مطبوع دار زندگی

من کنند چکار دارند به اینکه سیل زدگان

سیستان هیران مانده اند که وضعشان در

زمستان چه خواهد شد! کار عمده

رفسنجانی و خامنه ای این است که برای

صدور انقلاب از تو نو ناچیزی (۱۵

میلیون دلار) در اختیار پاکستان بگذارند تا

پتواند کارخانه تاساجن بلوچستان پاکستان

را راه بیاندازد، مخصوصات آن را به ایران

پردازد و سود کارخانه را هم مصروف امور

نقاهتی روشن کردن چراغ همسایه را بر

روشن کردن چراغ خانه خود ترجیح می دهد.

بگذار مسلمانان لبنان و پاکستان راضی

باشند! اگر مردم ایران هر روز ناراضی تر

می شوند چه یاک! سپاه پاسداران و کمیته

ها و دانشگاه اوین وظایف خود را می

دانند. هر کس که جرئت کند بگوید:

چهارگی که به خانه رواست به مسجد حرام

است: حسابش را خواهند رسید.

در بندربعباس

عرضه بر بندربیان

تنگ شده است

از بندربعباس نخواهیم رفت و برجای خود خواهیم نشست. او می گوید که چندین کسانی توانستند هاشی مشغول خدمتند که کشور به بندربیان یا پیاره چون دیلم گرفته و سربازی خود را بندربیان و سرگردان می شود.

ذائقی می گوید: مردم محروم

بندربعباس سالیان دواز را در دوران ستم

شاهی در محرومیت بسر برده اند و همه نان

در دوران روشن و سپید حاکمیت حق و

انقلاب (!) رفع دوره سیاه گذشته را زیر تابش

خورشید تابناک اسلام بر چهره زندگی و

حیات خویش دارند و بدتر آنکه کسانی که به

ادعای خدمت و نجات آمده اند گاهی خود

دردآفرین و رنج افزایندند. این نماینده

تاکید می کند: در بندربعباس برای اساسی

ترین مشکل مردم این شهر کاری هم نیست

نگرفته است. می دانید چرا؟ زیرا آن کس

که باید دل پسوزاند دل در بندربیان

ندازد. در بندربعباس عرضه را بر بندربیان

نمک کرده اند و هرجانیرویی بود که کاری

می داشت یا می توانست، برای دوستاشان باز باشد و هم فکرانشان

برای اعمال سیاستشان در خدمت باشند و

اگر در جانش از کسی که اهل شهر است

استفاده کرده اند و پستی دادند از هم فکران

خویشان بود که می توانست محروم اسرارشان

باشد و گرفته آنان که سر در نهان خانه ندارند

مطروحند. بسیاری به دروغ می گویند برای

خدمت آمده اند که برای حل مشکل دنیا خود

یا دنیا هم فکران خود در خدمتند. او در این

راستا از کسانی سخن می گوید که بساط

خویش را در بندربیان پهن کرده اند ما

اکنون عذرخواهی می کنیم

که بیکاری از این بندربیان

که بندربیان بندربیان

در مطبوعات مجاز

قابل توجه زنانی که
شومرشان "کافر" است

سید یوسف طباطبائی نژاد، نماینده اردستان:

"حتی یک نفر کافر نباشد بر یک مسلمان سلطه داشته باشد. اگر یک مرد و زن کافر باشند، اگر زن مسلمان شود ازدواج بهم من خود و زن باید از مرد کافر جدا شود و بعد از چهارماه و ده روز من توافق ازدواج کنند و حق زندگی با مرد کافر را ندارد، ولی به مکنس، اگر مرد مسلمان شد من توافق ازدواج را ادامه دهد!!)" و علت این حکم این است که حتی سلطه یک کافر، آن هم سلطه به اندازه ای که یک مرد بر زن دارد را هم اسلام نهیزیقت است: ("اطلاعات" ۲۹ شهریور ۱۳۶۸)

جواب "های" "هوی" است.

رجایی خراسانی، نماینده تهران:
"بیچ چیزی زیباتر از آن نیست که یک نماینده مجلس شورای اسلامی بتواند با فراغ بال و بدون وحشت از جو سازی و خویانسازی، نظراتش را از اراده مطرح کند و بقیه نمایندگان هم با همان صراحت و اسودگی خاطر بتوانند انتقاد کنند..."

عبدالله نوروزی، نماینده ملایر:

"ما نمایندگان باید خودمان حدود و شفوت مجلس را حفظ نکنیم و نباید هر کس حریق را ذد که به مذاق دیگری خوش نیامد به دنبال تکفیر و طومار باشیم و اجازه ندهیم صحبت ها گفته شود و مسائل مطرح شود."

محمد عظیمی، نماینده چهاران و طرقیه:

"مردم نست به تهیه طوماری زندن و طومار را حفظ کردند و تضییغ مقام و وزارت خارجه را که می خواهد در جهت حفظ حقوق این ملت گام بردارد، محکوم کردند. آن دیگری می آید و این طومار را طومار اختناق می نامد. چطور ممکن است که من (به در می گوید تایوار پشتوون) جرات داشته باشم و به خود حق بدhem از این تایوارون سخن بگویم ولی مردم نتوانند حقایق را بیان کنند و حق خویشان را بگویند؟ این امت بیدار است و هرگز اجازه نخواهد داد به حریم مقدس اسلام تجاوز شود و دشمنان خدا شاد گردند." ("اطلاعات" ۲۹ شهریور ۱۳۶۸)

کمک های مالی رسیده

جمع آوری شده در جشن
"پوکس اشتیمه" توسط
رنگای هادار مقیم اتریش ۴۰۰ شلینگ

خبرهایی از کردستان



"عارف کردی" که در ترمینال سنندج، پیش از حرکت اتوبوس سرگرم مطالعه بوده است، من خواهد تا کتابش را بینند و نست از مطالعه بکشد. فرمان پاسدار اعتراض عارف کردی و بوس من اتفاقید و بین او و پاسدار چه و بحث در من گیرد. سربازی دیگری که در محل حضور نداشت، به دفاع از "عارف کردی" بوس من خیزد و مردم از حمایت من گرفتند. در هین چه و بحث پاسدار مزبور یکباره کلت خود را کشیده و به طرف هر دو سرباز شلیک می گردند. وی پیش از هر اقدامی از سوی مردم بهت زده متواتری می شود. مستولان رژیم برای "تسلي خاطر" خانواده "عارف کردی" اجازه می دهند او را شهید بنامند با این شرط که محل شهادت را مریوان ذکر گنند.

* بازداشت و دستگیری مردم در شهر سنندج بیش از پیش گسترش یافته است. پاسداران و کمیته چی ها به بهانه های مختلف اقدام به بازداشت مردم، پوییار چوانان شهر سنندج، می گنند. مثلا در طی ماه های گذشته دهها دختر چوان و نوجوان به جرم "بد حجابی" بازداشت شده اند.

* خانواده های شهدای زندانیان سیاسی سنندج، در سالگرد اعدام شرمندانه ششترکا یک روز از روزهای آخر مرداد را بعنوان روز یادبود عزیزانشان تعیین می گنند. آنان صبح روز تعیین شده به وسیله ۸ دستگاه مینی بوس بر مزار شهیدانشان در کامیاران حاضر می شوند و روز به سنندج باز می گردند.

* روز ... در خیابان شریعتی، روپروری بنای سازمان زندان ها، دو پیر مرد و یک جوان ملیس به لباس کردی را در حال گریه دیدم. به طرف آنها رفتم و ملت را جویا شدم. یکی از پیر مرد را که حاجی مکه رفته ای بود، پاسخ داد: "چرا گریه نکنم. پسرم را اعدام کرده اند". پرسیدم: "پسرت چه کاره بود؟" جواب داد: "پسرم سرباز بود. در عملیات پارسال، مجاهدین او را اسیر گرفتند. پس از مدتی آزادش گردند و او نیز به ایران برگشت. پس از بازگشت حدود یک سال در زندان نگهش داشتند و بالآخره هفته پیش اعدامش گردند. امروز که آمدیم و سرافش را گرفتیم، گفتند اعدامش کرده ایم. کاغذی را که می بینید وصیت نامه پسرم است."

* بهزادی، مستول اطلاعات سپاه، که همراه تعدادی از عوامل اطلاعاتی برای خبرگیری از وضع منطقه و جنوب و جوش نیروهای مبارز کرد به اطراف شهر مهاباد رفت بود، توسط پیشمرگان به هلاکت رسید.

* رژیم برای افشاگران پذر نفاق و نشمنی در بین مردم کرد، تلاش می ورزد برای مقابله با پیشمرگان کرد، بیشتر از سربازان کرد محل استفاده کند.

* در شهر پیرانشهر علامت شیوه بیماری "وبای" دیده شده است. تاکنون یک نفر در اثر ابتلاء به "وبای" مرده است.

* در کردستان نیز مرگ خمینی شور و شادی بپا کرد. هر چند رژیم به زور بعضی از مستولان ادارات و امنیت را ناگزیر به برگزاری مراسم فرامایش کرد، ولی اکثریت مردم در شهرهای مختلف کردستان نه تنها از برگزاری مراسم سوگواری خودداری کردند، بلکه حتی با پیش شیرینی در خانه ها، مرگ خمینی را به هم تبریک گفتند.

در این شرایط دهها نفر از جوانان و مردم کردستان، از جمله در مهاباد و سنندج به جرم نپوشیدن لباس مشکی و یا به تن کردن لباس های رنگی، خندهیدن و خوشحالی کردن بازداشت شده اند. روز پس از مرگ خمینی، جوانی به نام "پارسایی" به همین بهانه در شهر سنندج بازداشت شد و پسندت مرد ضرب و شتم قرار گرفت. روز بعد چند سی جان این چوان در خارج شهر پیدا شد. خبر تقتل این چوان موج خشم و نفرت مردم شهر را علیه رژیم برانگیخت.

* پس از مرگ خمینی، درگیری بین نیروهای دولتی در کردستان افزایش پیدا کرده است. روز اول تیرماه سال جاری بین دو گروه از پاسداران شهر مهاباد درگیری شدیدی روی داد. در جریان آن پاسداران با مشت و لگد به چان یکدیگر افتادند. مشت درگیری تا آن اندازه بود که مستولان سپاه بدون تیراندازی هوابی موفق به فروتنشاندن آن نشدند. در "پادگان بانه" نیز بین گروهی از سربازان درگیری پیش آمد و کار به زد و خورد مسلحانه کشید. در نتیجه یک سرباز کشته شد. شهر بوکان نیز شاهد حوادث مشابهی بوده است.

* روز ۶ مرداده، در ترمینال سنندج، یک پاسدار دو سرباز را به قتل رساند. این پاسدار از پایس وظیفه ای به نام

زنده باد آزادی و صلح، سونگون باد رژیم "ولادت فقیه"!

خانه بسازید نه بب!

فriادی که آمریکا راتکان داد

در آخر هفت کشته... ۲۵۰۰۰ آمریکائی در خیابان های واشنگتن، پایتخت ایالات متحده آمریکا راهپیمایی کردند و خواستار تحقق این حق بدیهی هر انسان شدند که دارای خانه و سرپناه باشد. این راهپیمایی ملی علیه بی سرپناهی که با فراخون ۲۰۰ سازمان به راه افتاد، تبدیل به یکی از بزرگترین تظاهرات توده ای در پایتخت آمریکا، از سالهای ۶۰ به این سو شد.

دهها هزار تن از کسانی که شب ها جاشی برای خوابیدن ندارند، از سراسر کشور برای راهپیمایی به پایتخت آمده بودند.

تظاهر کنندگان شعار می دادند که سرانجام رئیس جمهور و کنگره باید درک کنند که داشتن سرپناه نه یک امتیاز، بلکه یکی از اساسی ترین حقوق بشر است، که ۲ میلیون تن از اهالی ایالات متحده از آن محروم شده اند. راهپیمایان خواهان افزایش قابل ملاحظه بودجه برای ساختن مجتمع های مسکونی شدند. بودجه ساختمن این مجتمع ها از سال ۱۹۸۱ تا کنون از ۲۲ میلیارد به ۷/۰ میلیارد دلار کاهش یافته است.

صیح همان روز هزاران تظاهر کننده در مقابله پنگون با بلندگوها فریاد می کشیدند: «خانه بسازید، نه بعبای».

جسی چکسون، مبارز معروف دفاع از حقوق بشر در ایالات متحده به این واقعیت اشاره کرد که بودجه بورابر شده نظامی در زمان ریگان هنوز هم کاهش نیافرته است. او تاکید کرد که مالیاتی که ثروتمندان می پردازند به میزان هنگفتی کم شده است.

جسی چکسون افزود: «با امتناع از برترانه ۷۰ میلیارد دلاری ساختن بعب اتفکن های غیرقابل رویت برای رادارها، می توان با بی سرپناهی، این ننگ ملی، مبارزه کرد.

توطنه ترور رهبران مخالف

حزب کمونیست سودان، از تدارک دو نقشه تبهکارانه رئیس کویتایی سودان پرده برداشت و از همه احزاب سیاسی، سازمان های بین المللی، بویژه هواداران حقوق بشر، صلح و شخصیت های برگسته بین المللی در خواست کرده است تا یا افسای این توطنه های تبهکارانه راه اجرای آنها را مسدود سازند.

به نوشته حزب کمونیست سودان پس از کویوت دو نقشه زیر در نسبت اجراست:

الف - حکومت نظامی در سودان با همکاری کویتی هد انتقامی «حزب انقلابی خلق اتیوپی»، در حال برنامه ریزی برای تابودی فیزیکی رهبران اپوزیسیون (که ادامه درص)

کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران در کنگره سندیکائی بریتانیا

مواد غذائی که مبتکر این قطعنامه است به تفصیل در مورد چنایات رئیس ایران پس از پذیرفتن اتش پس سخن گفت. او یا بر شمردن چنایتی که رهبران کنونی جمهوری اسلامی بویژه خامنه ای و رفسنجانی خود در آن شریکند، اعلام کرد: در این کنگره شرکت داشتند. سازمان های سندیکائی کشورهای گوناگون جهان، از جمله هیئت نمایندگی کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، به عنوان ناظر و مهمنان، به این کنگره بعثت شده بودند.

از تاریخ ۴ تا ۸ سپتامبر ۱۹۸۹ بزرگترین گردهمایی سازمانه کنگره سندیکائی بریتانیا در شهر بلک پول برگزار گردید. هیئت های نمایندگی اتحادیه وابسته که نماینده ۸/۱ میلیون تن زحمتکش هستند در این کنگره شرکت داشتند. سازمان های سندیکائی کشورهای گوناگون جهان، از جمله هیئت نمایندگی کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران، به عنوان ناظر و مهمنان، به این کنگره بعثت شده بودند.

از ۱۸ قطعنامه ارائه شده ۲ قطعنامه به مسائل بین المللی اختصاص داشت: ۱-

آفریقای جنوبی ۲- خلع سلاح و منع سلاح های هسته ای ۳- نقض حقوق بشر و حقوق سندیکائی در عراق و جمهوری اسلامی ایران ۴- قطعنامه اخیر، کنگره رئیس های عراق و جمهوری اسلامی ایران را بخطاب

نقض حقوق بشر محکوم و از کلیه مراجع صلاحیتدار بین المللی خواست اقدامات لازم را برای دیدار حقوقدانان بین المللی از زندان ها و رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی بعمل آورند. این قطعنامه توسعه مناسبات با کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران را امضا کردند. این اعلامیه مشترک رئیس های مهم بریتانیا آن را همین شماره می توانید بخوانید.

به هنگام طرح قطعنامه مربوط به ایران، نماینده اتحادیه کارگران صنایع نان و

دولت ایران، ناقض کنوانسیون «سازمان بین المللی کار»

انسان را بیاد چنایات فاشیسم هیتلری می اندازد. تا منکارنیکه در ایران از حقوق بشر و حقوق سندیکائی خبری نیست ... نمی توان از ثبات سیاسی خواست گفت. ما خواستار آنیم، که:

- چنایات رئیس تئوکراتیک محکوم شود:

- همه زندانیان سیاسی آزاد کردند:

- مردم و از جمله زحمتکشان از حقوق بشر و حقوق سندیکائی برجوردار شوند.

ما از مردم بریتانیا و چنیش سندیکائی بریتانیا می خواهیم، که همیستگی خود با سندیکالیست های ایران و کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران را هر چه بیشتر تحکیم کند.

ما اطیاعن داریم، که این همیستگی و فشار اتفکار معمومی، رئیس کنونی ایران را ازدست زدن به چنایات بیشتر بازخواهد داشت.

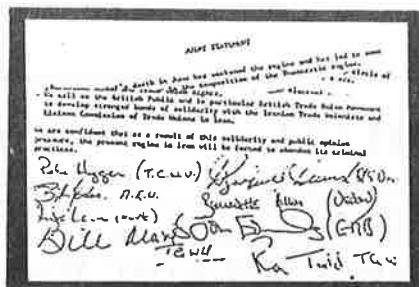
در زیر متن اعلامیه مشترک سندیکای بریتانیا و کمیسیون ارتباطات سندیکائی ایران از نظر خوانندگان «نامه مردم» می گذرد:

مرگ خمینی در ماه ژوئن به ضعف رئیس و برخی اکرگونیهای تاکزیر در ترکیب رئیس تئوکراتیک اجمادی.

خمینی پیش از مرگ خود نیروها و تغییرات قانون اساسی ایران کرده بود. رفستجانی، وئیس جمهور، قدرت کامل یک بیکتاور را بدست گرفت. این واقعیت و انتخاب خامنه ای بعنوان «رهبر» از طرف مجلس خبرگان می تواند این تصور را برانگیزد، که گویا انتقال قدرت راه همواری را پیموده است. بدینسان، به افق اکار عمومی جهان چنین تلقین می شود، که رئیس جدید از ثبات لازم برای اداره کشور و جذب و استفاده از سرمایه های خارجی در روند بازسازی پرخوردار است. مهم انکه مقامات عالی رئیس انتهاست هستند که در زمان خمینی نیز تعصیم گیرند و بودند.

روشن است، که کمی انتخاباتی ۲۸ دوئیه، که رئیس چنین قیل و قالی درباره آن برآمد اندخت، در شرایط اختناق در ایران برگزار شد. ارگان های سرکوبگر همچنان باقی هستند.

حقوق بشر بگونه ای اشکار نقض می گردند. حقوق سندیکائی پاییال می شود و هزاران دمکرات، سندیکالیست و ... به جرخه اعدام سپرده شده اند - کشتاری که



تفییرات مهم در مجارستان

کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان که هفت گذشته کار خود را در پوداپسیت آغاز کرده بود، پس از مباحثات طولانی که به هنگام آن کارپایه های گوناگون در مقابل هم قرار داشتند، سرانجام با اکثریت آرا تصمیم گرفت بجای حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب سوسیالیست مجارستان را که شبیه به احزاب سوسیال دمکرات اروپای غربی خواهد بود تشکیل دهد. روز پیشنهاد اکثیر روزنامه نیپ سایبات شاگ، پس از ۲۲ سال که ارگان مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان بود، به این نام تغییر کرد.

کنگره حزب که در آن نمایندگان طبقه کارگر تقریباً حضور نداشتند، چنین ارزیابی کرده است که اینکه می تواند بدون اینکه اعضا را کنوتی خود را از دست بدهد همه کسانی را که طرفدار سوسیالیسم دمکراتیک هستند و اساسنامه و برنامه حزب را من پذیرند در معرف خود متعدد کند. اما بسیاری از رهبران حزب پیشین، این خوشبینی را تائید نمی کنند.

کاروی گروس، دبیر کل حزب پیشین،

از تصمیم کنگره اظهار ناخرسنی کرد و

گفت هزار موضع موضع کمونیست های اصلاح طلب باقی می ماند، ولی از ذنگی فعال سیاسی کناره خواهد گرفت. ریوپنیرش صدر حزب نوبنیاد سوسیالیست در مصاحبه با نیپ سایبات شاگ اظهار عقیده کرد که اگر دیر یا زود یک حزب کمونیست تشکیل شود امری منطقی است. کمونیست های مجارستان اظهار نظر کرده اند که تغییر نام حزب باید پس از همه پرسی در میان ۷۰۰ غزار اعضا آن انجام می شد. بسیاری از هسته های کارگری حزب در این باره نامه های اعتراض امیزی به کنگره نوشته اند.

در پوداپسیت اعلام گردید که جامعه

یانوش کادر از کمونیست های خصو حزب

سوسیالیست کارگری مجارستان دعوت کرده

است به انتخاب، حزب کمونیست مجارستان

را تشکیل دهنده. بدین منظور یک کمیته

مرکزی موقت تشکیل شد که روز دهم اکتبر

اولین جلسه خود را برگزار کرد و تصمیماتی

گرفت.

جامعه یانوش کادر در ماه ژوئن

بنیانگذاری شد اما تاکنون خود را بصورت

رسمی ثبت نکرده بود. تصور می رود که دبیر

نیروهای چپ و از جمله "جامعه کارل مارکس"

و "گروه های رزمی کارگری" به حزب

کمونیست جدید التاسیس پیوستند.

ابتکار جدید حزب کمونیست متحده ترکیه

بسیع افکار عمومی در راستای اصلاح قانون اساسی هند دمکراتیک ۱۹۸۲ و القای آن مواد قانون چهارمین ترکیه، که آزادی اندیشه را محدود می سازد و فعالیت قانونی چنین کمونیستی را منع می کند.

حزب کمونیست متحده ترکیه در نامه خود خاطرنشان می سازد:

"سخن کوتاه، مسئله فعالیت قانونی کمونیست ها در ترکیه را دیگر نمی توان از مستور سیاست حذف کرد، چه این امر با ایجاد یک جامعه ای با مردم از ارش های انسانی، پلارالیستی و دمکراتیک در ترکیه پیوست نتکاننک دارد."

از سوی دیگر، کردار و گفتار محافل حاکم با یکدیگر نمی خواند. رویم کنونی ترکیه، که پس از کوتایی ۱۲ سپتامبر به روی کار آمد، می کوشد، تا روند دمکراتیزه کردن را به تعیق اندازد. شکنجه و بد رفتاری در زندان های همچنان مسئله حادی است. در ترکیه حقوق انسانی و ابتدایی کردها پاییمال می شود. هم اکنون عملیات نظامی وسیعی در مناطق کردهنشین در چریان است و کوچاندن های جمعی تدارک دیده می شود. محکمه مسٹولان چنیش محل ترکیه و کنفرادسیون سندیکایی "دبیک"

ادامه دارد.

در پایان نامه حزب کمونیست متحده ترکیه می خوانیم:

"با توجه به واقعیات بالا، حزب ما در زمینه کمک رسانی به روند دمکراتیزه کردها، ابتكارها و بیکری را نیز در نظر گرفته است. بازگشت اعضا رهبری حزب از خارج به ترکیه تنها کامی است نخستین.

با این کام، ما امیدواریم که بگونه ای مستقیم تر و کامتر در زندگی سیاسی ترکیه شرکت داشته باشیم و کام های بعدی را نیز برای کسب قانونیت چنیش

کمونیستی تدارک بپیشیم. همچنان امیدواریم که این کام به رفع هرگونه محدودیت در راه آزاد اندیشی کمک کند. ما

همه توان خود را برای سنتیابی به قانونیت برای همه کمونیست های ترکیه و استقرار دمکراسی بکار خواهیم برد."

کمیته مرکزی حزب کمونیست متحده ترکیه در نامه ای "ابتکار جدید" حزب پرادر در ترکیه را به اگاهی کمیته مرکزی حزب ترکیه ایران رسانده است. در این نامه می خوانیم:

حزب ما تصمیم گرفته است، اعضای رهبری ما، که هنوز در خارج بسر می بردند،

بین سپتامبر ۱۹۸۹ تا آغاز سال نو به ترکیه باز گردند. تنها رفقا مهمت کارها، جانشین

صدر، و عثمان ساکال سیر، جانشین دبیرکل حزب، پخاطر تضمین ادامه کاری حزب در خارج باقی خواهند بودند.

(هناکه در شماره ۲۷۹ "نامه مردم" خبر دادیم، چهارتمن از اعضای کمیته مرکزی

حزب متحده کمونیست ترکیه در ماه سپتامبر به ترکیه بازگشته و در فرودگاه بازداشت شدند).

در نامه حزب کمونیست متحده ترکیه سپس آمده است:

بازگشت رفیق نیت سارگین، صدر و رفیق حیدرکوتلو، دبیرکل حزب، در ۱۶

نوفمبر ۱۹۸۷ به ترکیه، کمیته قانونی

توانستند، مسئله یک چنیش

کمونیستی و آزادی اندیشه را در مستور روز زندگی سیاسی ترکیه قرار دهند.

هرچند رفقا سارگین و کوتلو ددمنشانه شکنجه شدند و هنوز در زندان بسر می

برند، اما قانونیت حزب کمونیست متحده ترکیه و برثامه ان اکنون از پشتیبانی

گسترده مردم ترکیه برخوردار است. پس از آغاز محکمه کوتلو و سارگین در دادگاه

امنیت کشور در آنکارا، در ترکیه بحث وسیعی درباره حقوق پسر و آزادی های

demکراتیک اغاز شد. تقریباً همه نهادهای سیاسی، اجتماعی و قضایی، احزاب

ابوزیسیون، روشنکران و شخصیت های کشور به هوازی از فعالیت قانونی

کمونیست ها در ترکیه برخاستند. حتی

آقای کعنان اورن رئیس جمهور، و آقای تورکوت اوزال، نخست وزیر، این خواست را پذیرفته اند، پتابراین می توان گفت، که

بازگشت سارگین و کوتلو به ترکیه در واقع

کمک بود به روند دمکراتیک کردن زندگی سیاسی در کشور و انگیزه ای توائفند برای

توطنه ترور ...

نامشان در زیر می آید) هست: دکتر

منصور خلیل، یوسف کوا و یاسر آرمان،

سه تن از رهبران چنیش آزادیبخش خلق

سودان و نیز مبارک القابیل یکی از

رهبران حزب اوما و وزیر کشور سابق

(مبارک در حال حاضر در خارج از سودان به سر می برد).

ب - محکومت نظامی، محچنین در حال

برثامه دیزی برای انتقال گروهی از

یهودیان فلاشه اتوبوپاییان به اسرائیل

است. الفتاح ایروا، یکی از افسران بدنام

امنیتی که عملیات موسوم به "موسی" را